



***مجتبی گهستونی**
و حالا که وارد مغازه کوچک نوار و سی دی فروشی او می شوم در و دیوار را پر از عکس های جورواجور می بینم. در ویتروینش عکسی از شهید سردار قاسم سلیمانی گذاشته، گوشه های دیگر هم سکه و اسکناس های قدیمی و تعدادی هم انگشتر نگین دار که مشتری خاص خودش را دارد گذاشته تا به خیال خود جنسش جور باشد. داخل مغازه که می شوی تا چشم کار می کند عکس می بینی و نوشته. ابتدا تصویر مصطفی ریش نظرم را جلب می کند که در کنار پوستر خواننده «تک درختی» خوش نشسته است. چشمم را که می چرخانم لیست کاست ها و سی دی های موجود را به طور کامل نوشته است. از نوحه های عاشورایی گرفته تا گلچینی از آوازهای بختیاری. حتی از عماد رام و فریدون فروغی تا محمدرضا شجریان هم می توان آثاری مشاهده کرد. برای من حتی کتاب «پیکاب نجف» نوشته یوسف مداحیان هم گیر می آید.

***چندساله بودید که رسماً خوانندگی را در رادیو و تلویزیون شروع کردید؟**
۲۳ سالم بود. اول رادیو و بعد در تلویزیون خواندم.

***اولین ترانه هایی که خواندید چی بودند؟**

اول هوار هوار را خواندم. بعدش ترانه های بندری زینو زینو، دختر اهوازی، نوشتم نامه ای، کنیزو، ویلا ویلا، یارمو، شهر بندر و...

گفته می شود که ابتدا خوانش این ترانه ها توسط شما صورت گرفت و بعدها خوانندگانی دیگر آنها را بازخوانی کردند. کدام خوانندگان برای بازخوانی با شما هماهنگی کردند؟
ترانه های بندری زیادی توسط خوانندگان خوانده شده بود. اما این افتخار را داشتم که برخی از ترانه ها را خود بخوانم. برخی از خوانندگان برای خواندن برخی از این ترانه ها اجازه گرفتند و برخی هم بدون هماهنگی خواندند. مثلاً «کوروش یغمایی» برای خواندن ترانه هوار هوار از من اجازه گرفت و حتی به خانه مان در آبادان آمد. «شهرام شپره» سه ترانه ویلا ویلا، هل لیوس و یک ترانه دیگر که اسمش یادم نیست را بدون اجازه خواند. «فرزین» بدون هماهنگی زینو زینو را خواند. «مانده دزفولی» ترانه هوار هوار را خواند. من در تمانم دوران خوانندگی خود هیچ وقت ترانه ای که دیگری خوانده بود را نخواندم. هرچی ترانه خواندم دسته اول توسط خودم ساخته شده بود که خوانده شد و بعد دیگران خواندند.

***شعر ترانه زینو زینو را کی برای تان سرود؟**
شعر این ترانه را «مظفری» سرود.

***خودتان هم شعری برای ترانه های تان سرودید؟**

دو تا شعر گفتم که یکیش برای ترانه خانبندان بود و اون یکی هم یادم رفت. شعر بقیه ترانه ها را هم عباس ابطحی و جهانبخش ماموری که خیلی هم معروف بود سروده بودند.

***آهنگ سازی ترانه ها را کی برای تان انجام می داد؟**

خودم انجام می دادم. برای هر ترانه بیش از یک ماه وقت می گذاشتم.

***ظاهراً شیفتگی شما به شهر آبادان مانع کوچ کردن به تهران و همکاری با استودیوها و در نهایت رادیو و تلویزیون بود. چرا؟**

خیلی شیفته آبادان بودم. نمی توانستم از آبادان دل بکنم. در تهران از من خواسته شد

مصاحبه با احمد خزایی خواننده ترانه های بندری زینو زینو، هوار هوار، ویلا ویلا و...

شب بندر چه با صفاس

شما بعدها دیدید که کوروش یغمایی ترانه هوار هوار شما را خواند، محمود جهان کنیزو را خواند، فرزین زینو زینو را خواند و خیلی های دیگر ترانه های شما را بازخوانی کردند. شما هم در خوزستان ماندید و به فراموشی خود کمک کردید.

***واقعا هیچ وقت هوس نکردید که مجدد بخوانید؟**

پدرم که فوت کرد دیگه دل و دماغ نداشتم. ولی خیلی دلم می خواد فیلم اجراهای خودم را ببینم. اما دسترسی ندارم. تلاش هم کردم اما پیدا نکردم. خیلی هم به من پیشنهاد شد که بخوانم. بعدها زنده یاد حبیب الله معلمی شاعر مداحی های حاج صادق آهنگران هم که

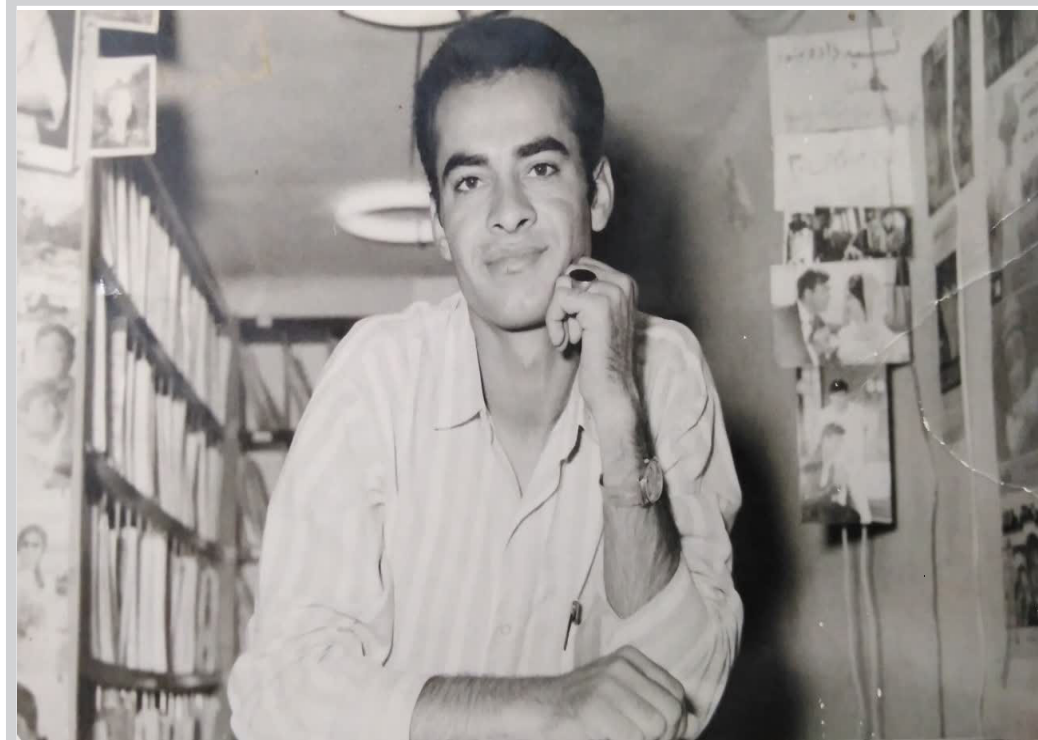
آخرین آهنگی که خواندی و دیگر اصلاً و ابداً هیچ ترانه ای نخواندی چی بود؟ واقعا یعنی تلاشی برای خواندن مجدد هم نکردی؟
آخرین آهنگی که خواندم «کنیزو» بود. بعداً زنده یاد محمود جهان این ترانه و هفت هشت ترانه دیگر را از من اجازه گرفت و خواند.

***دستمزدهاتون چطور بود؟ برای هر اجرا چقدر می گرفتی؟**

دهه پنجاه در برخی عروسی ها می خواندیم گاهی ۱۵۰۰ تومان و گاهی هم ۲ هزار تومان می گرفتیم. خب مبلغ قابل توجهی بود. در رادیو و تلویزیون هم که اجرا می کردیم بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان می دادند.

***در مدتی که برای رادیو می خواندید در چه برنامه ای ترانه های تان پخش می شد؟**

هر صبح جمعه در رادیو ملی نفت بعد از یک مصاحبه که با من انجام می دادند یکی از ترانه هایم پخش می شد. یک برنامه سراسری هم از تلویزیون ملی از طریق آبادان پخش می شد که آنجا هم می خواندم.



همسایه مان بود به من پیشنهاد داد که بیا نوحه بخوان ولی دیگه صدای گرمی نداشتم. دل و دماغ نداشتم. حتی از آبادان هم با غلام کویتی پور هم آشنا بودم ولی در تمام این سال ها در کنار کاست ها و سی دی هایی که در مغازه خود عرضه کردم آثار این افراد هم مخاطبین فراوان داشته و دارد.

شما که خیلی شیفته آبادان بودید و به خاطر آبادان ماندن قید مهاجرت به تهران را زدید چرا آنجا ساکن نشدی؟

پدر و مادرم از گذشته رامهرمز بودند. منم جنگ که شد وسایلم را جمع کردم و از آبادان به رامهرمز برگشتم. هنرمندان آدم های حساسی هستند. قطعاً

از جمله ترانه هایی که خیلی گل کرد و موجب شد تا نوع خواندن شما مورد توجه قرار بگیرد کدام بود؟
موقعی که ترانه «شب بندر چه با صفاس» را خواندم و صفحاش بیرون آمد خیلی ها شک داشتند که صدای من است. برخی فکر می کردند که نعمت الله آقاسی خوانده است. بعد از یک ماه خود آقاسی زنگ زد و گفت خیلی خوب خوانده بودی و ایولا.

***شما موقعیت خوبی داشتی ولی از سال ۱۳۵۶ یهو خوانندگی را کنار گذاشتی. هیچکی هم مانع تو نبود. چه اتفاقی افتاد؟**

برای ادامه کار و پیشرفت خود باید به تهران می رفتم. ولی شرایط مناسبی نداشتم. زن و بچه ام آبادان بودند و نمی توانستم از آنها دور باشم. حتی وقتی برای اجرا به شهرها و استان های دیگر دعوت می شدیم. بلافاصله پس از اجرا با بچه های ارکستر می اومدیم آبادان. خب آبادان خاکش دامن گیره. با صفا بود. شهر خوبان بود. منم چون در این زمینه ها یک دنده بودم به عشق آبادان جاده ها را طی می کردم تا بیشتر در این شهر باشیم. اما یک علت مهم دیگر که موجب شد خوانندگی را کنار بگذارم درگذشت پدرم بود که سال ۱۳۵۶ فوت کرد. ضربه سختی خوردم و خوانندگی را گذاشتم کنار.

***بعد از اینکه خوانندگی را کنار گذاشتی، شما که پنج فرزند داری حتی در عروسی بچه ها هم نخواندی؟**

من فقط در عروسی دختر و پسر خواندم. ولی در بقیه عروسی هایی که بعد از سال ۱۳۵۶ برگزار شد هرچی هم اصرار کردند نخواندم.

